

بازاندیشی نظری درباره مطالعه آکادمیک دین در جهان و در ایران:

موردپژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب قم

یونس احمدی*

باقر طالبی دارابی**

چکیده

مطالعه دین یا دین پژوهی به عنوان یک رشته علمی دانشگاهی و تأثیرپذیری آن از محیط، از موضوعاتی است که توجه محققان را به خود جلب کرده است و موجب تحولات درون ساختاری و مناسباتی می شود که از نظر جامعه شناسی معرفت، در شکل گیری معرفت ناشی از این رشته اثرگذار است. این مقاله تلاش کرده است با تکیه بر تحقیق کتابخانه ای و بررسی اسناد موجود و مشاهده از دو منظر یافته های نظری و تجربی به این موضوع در بستری تاریخی و با بررسی پیشینه مفهومی و نظری آن بپردازد و همچنین نسبتی از آنچه که ما می توانیم با این امر داشته باشیم را توضیح دهد.

نتایج تحقیق نشان داد که دین پژوهی متأثر از بستر اجتماعی و فرهنگی است و به طور خاص ثابت شد که دانشگاه ادیان که رشته دین پژوهی در آن جریان دارد، بر نوع دین پژوهی هم به لحاظ شکل و هم محتوا اثرگذار است. این امر ناشی از تأثیرپذیری خود دانشگاه ادیان از یک محیط بزرگ تر به نام قم و ایران بوده و مجموعه ای از مهم ترین مسائل منبعت از اولویتهای محیطی، در چشم اندازهای پژوهشی دانشگاهی در امر مطالعه دین، مطرح است. واژگان کلیدی: دین، مطالعه آکادمیک دین، دانشگاه ادیان و مذاهب، دین شناسی، دین پژوهی.

* دانشجوی دکتری دین پژوهی، دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، (نویسنده مسئول)

younessahmadi@yahoo.com

darabi@gmail.com

** استادیار، دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب قم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۹ تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۷/۲۳

مقدمه

دین، همواره عنصری تأثیرگذار در زندگی بشر بوده است. میرچا الیاده دین‌پژوه معاصر به نقل از ویلیام جیمز می‌گوید: «دین انسان، عمیق‌ترین و خردمندانه‌ترین چیز در حیات اوست» (الیاده، ۱۳۸۹، ص ۲۶۰). به این ترتیب با تکامل خرد بشری تکامل در امر دین نیز، رخ داده است. منابع دینی و تحولات آن، در میان هر ملتی، نمادی از نوع و عمق نگرش او به جهان است.

مطالعه و پژوهش درباره دین دارای عمر طولانی است. در تعیین تاریخ این مطالعات و پژوهش‌ها، دیدگاه‌ها متفاوت و چند گانه است. به‌عنوان نمونه در حالی که برخی معتقدند مطالعه ادیان به اندازه خود دین دارای قدمت است (آلز، ۲۰۰۸، ص ۳۹) برخی دیگر اصولاً ارائه یک محاسبه مشخص از مراحل آغازین مطالعه ادیان در یک منظر جهانی را با تردیدهایی روبه‌رو می‌دانند (پی، ۲۰۰۰، ص ۷۷).

در این میان شواهد نشان می‌دهد دین همواره به‌عنوان یک مسئله محوری در متن مطالعات و پژوهش‌های آکادمیک در نقاط مختلف جهان و به‌ویژه در جوامع غربی مطرح بوده است و اصولاً به نظر می‌رسد تلاش برای تبیین ماهیت دین و تمایز عرصه و حیطه آن از دیگر بخش‌های حیات اجتماعی به‌عنوان امری دین‌پژوهانه و مدرن، اساساً رویکردی غربی (شجاعی زند، ۱۳۷۸، ص ۳۳) و مشروط به نیازها و شرایط محیطی بوده است. این رویکرد مبتنی بر تغییرات گسترده در وضعیت اندیشه‌ورزی دینی و انسانی، در فضایی از سخت‌کوشی و استمرار و با شکل دادن و استقرار پلی به درازای هشت و نیم قرن در متن تاریخ، یعنی از قرن دوازدهم تا آغاز قرن بیست و یکم (مری، ۲۰۰۳^۱، ص ۴۳) بنیان‌دنیایی جدید و فلسفه طبیعی نوینی را ایجاد کرده است که فرهنگ علمی کنونی در جهان، برای ساختن جهانی مدرن‌بخشی از محصول آن است. این فرهنگ علمی بر حیات فعال و قابل لمس به جای دست به دامنی صرف به حیات فکری و انتزاعی، تأکید دارد (دی‌پر، ۱۳۸۸، ص ۲۶۶).

دانشگاه موتور محرک و خاستگاه تعریف این دنیای جدید و پیش‌رونده بوده است. اکنون چالش ما در این پژوهش "به‌عنوان یک مسئله" آن است که امر مطالعه آکادمیک دین به‌عنوان یک تجربه جهانی، پس از رصدی تاریخی و دستیابی به دانشی از نسبت‌ها، چهارچوب‌های مفهومی و بصیرت‌های نظری آن، در کشورمان نیز، به نحوی صورت‌بندی گردد که با کشش و نیازهای بومی منطبق باشد و در تعامل با دنیای جدید به ما یاری رساند. موضع اخیر از آنجاست که هر پیام و مفهومی، زاده فرهنگی است و بهره‌گیری از آن در محیط‌های نامادری در درازمدت زیان‌بار

1. Mircea Eliade

(بن‌نبی، ۲۰۰۰، ص ۱۵۸ به نقل از شیرودی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰) خواهد بود. این مقاله در راستای صورت‌بندی یاد شده به نگارش درآمده است.

رفتار نظام‌های دانشگاهی مبتنی بر علم و آگاهی به گونه‌ای است که محیط برای این نظام‌ها، منبعی از مسئله و برای دیگران سرچشمه مشکلات است. سؤال و در پی آن مسئله، محصول ساختارمندی مبتنی بر علم و آگاهی و نظام‌مندی پژوهشی است. فعالیت در این سازمان‌ها اگر بر محور مسئله یا پرابلم^۱ نباشد، بر مدار مشکلات یا تراپل^۲ خواهد چرخید که در واقع از سنخ کلاف‌های درهم پیچیده هستند (میری، ۱۳۹۴، ص ۱).

نظام‌مندی دانشگاهی نه تنها سؤال را کشف یا به آن اجازه ظهور می‌دهد، بلکه به آن تشخیص نیز می‌دهد. یعنی آن را کدگذاری و اولویت‌بندی، نیز می‌نماید. در واقع علم و آگاهی فرایند معتبر شناخت دقیق از واقعیت دنیای اجتماعی است. اصولاً در شیوه‌های مختلف تولید دانش، نقش و رابطه دانش و جامعه اثر تعیین‌کننده دارد (ربانی خوراسگانی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱-۱۵۳) به این معنی که در واقع علم و آگاهی امری اجتماعی است و در ارتباطات اجتماعی ساخت و باز ساخت می‌شود. «علم یک نهاد اجتماعی و روشی است که به وسیله آن آگاهی و معرفت علمی تولید می‌شود» (انما، ۲۰۱۰، ص ۷۸).

مبتنی بر آنچه بیان شد باید به یاد آورد که امروزه، مطالعه آکادمیک دین، چپستی، چگونگی و نسبت اجتماعی آن به عنوان یک سؤال، در برابر نظام‌های معرفتی و ساختارهای اجتماعی مدرن و سنتی مرتبط در جامعه ایران و از آن جمله در دانشگاه ادیان مطرح می‌باشد و به نظر می‌رسد برای ورود به این عرصه باید از نقطه‌ای آغاز کرد که طی آن دانشگاه بتواند به ایفای نقش ذاتی خود در امر مطالعه دین پردازد. ضرورت این امر زمانی بیشتر می‌شود که ما می‌دانیم واجد یک ساختار ملی غیر پژوهش‌محور (افخمی، ۱۳۹۲، ص ۶۱) بوده و در امر خلاقیت و نوآوری در علوم انسانی و مشارکت بین‌المللی در تولیدات آن، با وجود برخورداری از میراثی گرانبها از منابع الهامی و خاطره تاریخی در حاشیه علم جهانی (موسوی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۴) هستیم و اصولاً نگرش ما به علم جهانی برای حل مسائل بومی، موضوعی تازه و کم‌جان (فیرحی، ۱۳۸۱، ص ۱۱) است.

به تعبیری در پاسخ به این پرسش که نقطه ضعف ما کجاست؟ که در امر پژوهش دین آن را تکرار نکنیم، باید اشاره نمود که ما در حوزه پژوهش به شکلی فراگیر به‌رغم آنکه متد و انواع روش‌های پیمایشی را می‌شناسیم؛ اما نیازمند تولید تئوری و دانش پایه بومی هستیم که تنها در دانشگاه می‌تواند شکل بگیرد. اصولاً امر پژوهش نیازمند تئوری بومی است و در غیر این

1. Probleme

2. Trouble

صورت جای آن را خلاقیت و رقابت‌های سلیقه‌ای فردی و یا بین‌گروهی پُر خواهد کرد (افخمی، ۱۳۹۲، ص ۶۱).

چالش این پژوهش، پس از رصدی تاریخی و دستیابی به دانشی از نسبت‌ها، چهارچوب‌های مفهومی و بصیرت‌های نظری امر مطالعه آکادمیک دین و دین‌پژوهی به‌عنوان یک تجربه جهانی، طرح مطالعه اخیر، چیستی، چگونگی و نسبت اجتماعی آن به‌عنوان یک سؤال، در برابر نظام‌های معرفتی و ساختارهای اجتماعی مدرن و سنتی مرتبط در جامعه ایران و از آن جمله در دانشگاه ادیان می‌باشد. به لحاظ پیشینه، سوابق تحقیق و پژوهش‌های در جریان مرتبط، چشم‌اندازی روشن وجود دارد و منابع خارجی و ترجمه بیشتر دسترسی‌ها را تشکیل می‌دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در چند سال اخیر تحقیقات درباره موضوع دین‌پژوهی در خارج و گاه در داخل کشور، گسترش یافته و دچار تحول بنیادی در زمینه تاریخچه، نظام‌های مفهومی، نسبت‌های اجتماعی و نظام‌مندی دانشگاهی شده است. هرچند که مطالعه مرتبط با تأثیر محیط بر دین‌پژوهی در چهارچوب عنوان و موضوع یک پژوهش و در یک پایلوت مشخص امری است که دارای سابقه نمی‌باشد؛ اما همواره مسئله تأثیر بافت بر این دانش و تأثیر و تأثر متقابل در میان اندیشمندان مطرح بوده است. روش ما در این تحقیق بررسی و تحلیل کیفی واحدهای درسی، درسنامه‌ها، تولیدات فکری، کتب، مقالات، پژوهش‌ها، و رصد مراکز فرهنگی دانشگاه و تعاملات بین‌المللی آن در راستای اساسنامه و اهداف دانشگاه است. یافته‌های نظری از بررسی، تحلیل محتوای سر فصل‌ها، درسنامه‌ها، کتب و نشریات دانشگاه و به‌طور خاص دانشکده ادیان به دست می‌آید.

سیر تاریخی و ساختار مطالعه آکادمیک دین در غرب

سیر تاریخی و پیشینه نظری و مفهومی مطالعه آکادمیک دین در غرب، الگویی قابل اعتنا برای شناخت تجربه جهانی این نوع مطالعه و تأثیر محیط بر آن است و می‌تواند به‌عنوان یک نقطه عزیمت در راستای دستیابی به نوعی بینش بومی مطالعه آکادمیک دین، واجد اهمیت باشد. در اهمیت و جایگاه این مطالعات و ربط اجتماعی آن باید گفت که تحولات سخت و پرهزینه تاریخی در غرب که اکنون همه جهان، دانسته و نادانسته و خواسته و ناخواسته به تجدد که محصول آن است تن داده‌اند (داوری اردکانی، ۱۳۹۷، ص ۱۶) تنها در سایه مؤلفه‌هایی مهم مانند جایگاه دین قابل تحلیل است. اصولاً بدون توجه به این نقش در همه مراحل تکوین آن، و در مرحله گسترش دنیای متجدد در اروپا و آمریکا و سپس در سرزمین‌های دیگر، هرگز قادر نخواهیم بود که تحولات دنیای معاصر را درک نماییم (نصر، ۱۳۹۳، ص ۱۴). در واقع پیدایش و سیر تحول و شکوفایی نهادهای فرهنگی، دینی و دانشگاهی در غرب موضوع مشترک، ظریف و

پیچیده‌ای است که باید آن را تنها در بستر مطالعه‌ای تاریخی و اجتماعی جستجو نمود (سیاهپوش، ۱۳۹۲، ص ۴۳).

در کلی‌ترین حالت مطالعات دین در دانشگاه‌ها به دو دسته مطالعات درون‌دینی و مطالعات برون‌دینی تقسیم می‌شوند. ویلفرد کنتول اسمیت^۱ هم در زمینه تقسیم دین‌شناسان به دو گروه «درون‌دینی» و «برون‌دینی»، با این ایده موافق است و برای هر یک روش خاصی را ارائه و پیشنهاد می‌کند (اسمیت، ۱۹۶۴، ص ۱۷۰). مطالعات درون‌دینی مؤمنانه^۲ و مطالعات برون‌دینی غیر مؤمنانه^۳ است. دانشگاه‌ها در مراحل مختلف شکل‌گیری خود در غرب، مرکزی برای این دو نوع مطالعات بوده‌اند.

در نسل اول که شامل دانشگاه‌های مختلف و بزرگی در غرب است و به طور عمده بانیان آنها کشیش‌های مسیحی بوده‌اند و دانشگاه پاریس به‌عنوان بزرگ‌ترین دانشگاه اروپایی تأثیرگذار در قرون وسطی (کاپلستون، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵) و دانشگاه‌هایی مانند هاروارد،^۴ دانشگاه پرینستون،^۵ دانشگاه یل،^۶ دانشگاه گرینویچ^۷ و دانشگاه آکسفورد^۸ (عسگری و نوروزی فیروز، ۱۳۹۳، ص ۲۰) از جمله این دانشگاه‌ها هستند. در این سبک از دانشگاه‌ها، امر تبلیغ و ترویج دین و دفاع از آن یک اصل راهبردی است و الهیات عالی‌ترین رشته دانشکده‌ها قلمداد می‌شده و بر سایرین سیادت و برتری داشته است. برخی از این دانشگاه‌ها از رشد و تحول کیفی مدارس جامع کلیسایی به منظور تعلیم و اشاعه آموزه‌های کلیسایی و مبارزه با انحرافات عقیدتی بعضی از فرق پدید آمده‌اند (مری، ۲۰۰۳، ص ۴۳).

همسان با تحولات فرهنگی و اجتماعی در نسل‌های بعدی دانشگاه‌ها، و شکل‌گیری دانشگاه‌هایی که جستجوگری حقیقت را در رأس اهداف خود دارند، دین ابژه تحقیق محسوب می‌شود (بوروکابال، ۱۳۸۹، ص ۱۴) و این در حالی است که هنوز هم "در دنیای معاصر" دانشگاه‌ها، از این وضعیت دوگانه خارج نشده‌اند و امروزه هم با وجود همه تغییرات، روند تاریخی محوریت و کانونی بودن الهیات مسیحی در فعالیت‌های دانشگاهی غربی به اشکال مختلف تداوم یافته است (هرلینگ، ۱۳۹۶، ص ۴۲).

به لحاظ تقسیم‌بندی دوره‌ای مطالعه آکادمیک دین در دانشگاه‌ها، برخی منابع مطالعات درون

1. Wilfred Cantwell Smith (1916-2000)
2. confessional
3. non-confessional
4. Harvard University
5. Princeton University
6. Yale University
7. of Greenwich University
8. of Oxford-University

و برون‌دینی را با عنوان دوره‌های اول و دوم دین‌شناسی و یا با عنوان دوره‌های مطالعات گذشته و جدید دین معرفی می‌کنند و معتقدند عواملی نظیر گسترش فتوحات استعماری اروپایی و لزوم ایجاد مراکز دانشگاهی برای آشنایی با زبان محلی، فرهنگ و ادیان اقوام و ملل جدید، منجر به شکل‌گیری نوعی مطالعات دین‌پژوهی تطبیقی در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی شد و به این ترتیب دانش دین‌پژوهی جدید شکل گرفت (علیزاده، ۱۳۸۱، ص ۷). در ادامه این تقسیم‌بندی‌ها، دوره مطالعات جدید دین نیز به دو بخش کلاسیک و معاصر تقسیم‌بندی می‌شود.

فرانک والینگ^۱ در کتاب تئوری و روش در دین‌پژوهی، رویکردهای معاصر^۲ به تبیین شرایط و ویژگی‌های دوران‌های کلاسیک و معاصر در مطالعه دین پرداخته است. از نظر او عوامل اصلی که به نوعی تعیین‌کننده رویکرد کلاسیک و معاصر در مطالعه دین هستند به دو بخش عمومی که همان پس‌زمینه فرهنگی است که در آن دین مورد مطالعه قرار گرفته است و دیگری عوامل اختصاصی است که شامل رویکردهای خاص به مطالعه دین است، تقسیم می‌شوند. از نظر او جنگ جهانی دوم حوزه آبریزی است که در هر دو جهت مطالعه دین را در نتیجه آسیب‌های ناشی از خود به شدت تحت تأثیر قرار داد. به این ترتیب مطالعات دین در نیمه دوم قرن بیستم و پس از جنگ به عنوان مطالعات معاصر، دارای تفاوت‌های معناداری نسبت به نیمه اول آن است که از زمان مکس مولر و با تعدادی دانشمند پیشگام آغاز می‌شود. این تفاوت‌ها، تأثیرات خود را در روش و رویکردهای دین‌پژوهی گذاشته است، به طوری که ما می‌توانیم دو دسته مطالعات کلاسیک و معاصر دین‌پژوهی داشته باشیم (والینگ، ۱۹۹۵، ص ۳).

دوره کلاسیک شامل مجموعه‌ای از عناصرها در نظریه و روش است و نوعی پیشگامی در زمینه مطالعه دین محسوب می‌شود. در اکثر نقاط دنیا مطالعه دین با سبک مطالعه غیرکلامی و مبتنی بر نگرش تکنیکی و حسی به دین در زمینه تحصیلات عالی، تا بعد از جنگ جهانی دوم، به‌طور جدی شروع نمی‌شود (آلز، ۲۰۰۸، ص ۳۹) اما با رشد و گسترش دانش آکادمیک از همه انواع، در مطالعه دین، به عنوان مطالعه معاصر دین یک طغیان فوق‌العاده پدید می‌آید (والینگ، ۱۹۹۵، ص ۱۱).

اتفاقات دهه ۱۹۷۰م: دین‌پژوهی با عنوان Religious Studies

در دهه ۱۹۷۰م، اتفاق دیگری در حال رخ دادن است که راه‌های جدید و تعیین‌کننده‌ای از آنها آغاز می‌شود. به‌رغم موفقیت‌های پیوسته علم مدرن برای تغییر جهان بعد از جنگ دوم، عرصه محیطی و جهانی دستخوش چالش‌هایی از قبیل تشدید رقابت‌های هسته‌ای، بحران‌های زیست‌محیطی و

1. Frank Whaling

2. Theory and Method in Religious Studies. Contemporary Approaches to the study of Religions

افزایش شدید ثروت و فقر و شکاف ناشی از آن و همچنین ناتوانی علوم در حوزه‌های اساسی مانند معنا، خوف، هدف، تعالی و ارزش نیز هست که همین امر پرسش‌های جدیدی فراروی افراد قرار می‌دهد و به نظر می‌رسد پای یک بی‌توجهی یا غفلت در میان است (والینگ، ۱۹۹۵، ص ۴). اکنون پرسش این است آیا می‌توان به شرایط گذشته که در آن مطالعه دین برای کانون‌های علمی بی‌اهمیت و بی‌اعتبار بوده است ادامه داد؟ (همان، ص ۴).

پاسخ به گونه‌ای است که مطالعه دین را ضروری و این بار تغییر دیگری نیز رخ می‌دهد و دین‌شناسی در دانشگاه که پیش‌تر در مجموعه علوم انسانی و ذیل فلسفه در دپارتمان‌های فلسفه و فرهنگ تدریس می‌شود، تقریباً "مستقل" و موضوعی با عنوان دین‌پژوهی مطرح می‌شود. در سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰م، دین‌شناسی به معنای جدید به تدریج جایگاه اخیر را در دانشگاه پیدا می‌کند و دین به‌عنوان یک عنصر مطالعاتی در کنار فرهنگ و فلسفه در دانشگاه‌های غرب مطرح می‌شود (عسگری و نوروزی فیروز، ۱۳۹۴، ص ۲۰). به عبارتی دین‌پژوهی سرآغاز زمانی است که دین با جدا شدن از تمامیت زندگی اجتماعی به موضوع مستقلی برای مطالعه تبدیل می‌شود (ژاکلیک و استارلینگ، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶).

در سال‌های اخیر است که مقاومت‌ها در برابر شکل‌گیری مطالعات مستقل آکادمیک دین در دانشگاه‌ها پایان می‌یابد. «آنچه که ما اکنون به‌عنوان دین‌پژوهی دنبال می‌کنیم برخلاف سابقه طولانی و تاریخی علاقه‌مندی به ادیان، دیسپلین و رشته‌ای جدید است که از آن به Religious Studies یاد می‌شود و دارای سابقه‌ای حدود ۴۰ تا ۵۰ ساله است. در دانشگاه‌های معتبر دنیا رسمیت یافته است و با رشته الهیات و علم کلام مرزبندی مشخص دارد. در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م، علاقه‌مندی به این حوزه مطالعاتی دو چندان شد. دپارتمان‌های جدید ساخته شد و نشریات تأثیرگذاری درباره مطالعه ادیان انتشار یافت (ژاکلیک و استارلینگ، ۱۳۸۵، ص ۱۸۴). در این سال‌ها دین‌پژوهی^۱ با عنوان مطالعه آکادمیک ادیان^۲ در دپارتمان‌ها و بخش‌های جداگانه در دانشگاه‌های تحقیقاتی مدرن غرب مشروعیت یافت و دین را موضوع مطالعه و ابژه تحقیق خود قرار داد (مارتین و وایب، ۲۰۱۲، ص ۵۸۸).

به این ترتیب در عصری که دانشگاه به‌عنوان عنصر پیشران^۳ اجتماعی به موضوعات متعددی می‌پردازد (بوروکابال، ۱۳۸۹، ص ۱۲)، برای نخستین بار مطالعات آکادمیک دین از ویژگی‌هایی مانند روشمند بودن، استقلال و تمایز برخوردار می‌شود.

1. Religious studies

2. study of religions academically

۳. عوامل تأثیرگذار بر روندها و رویدادها و اقدام‌ها و تصاویر که ممکن است آینده‌های متمایزی پدید آورند (فرهنگستان علوم).

در دین‌پژوهی، دین به مثابه پدیده‌ای عینی،^۱ در خصوص بنیادی‌ترین مسائل مانند معنای زندگی (هرلینگ، ۱۳۹۶، ص ۵) مورد مطالعه واقع می‌شود. بی‌طرفی،^۲ یا به زبانی تعلیق روش‌شناختی^۳ به‌عنوان یک راه‌طلایی میانه بین فروکاهش دین و تحویلی‌نگری^۴ از سویری و دگماتیسم^۵ یا اظهار عقیده بدون دلیل، از سوی دیگر (انماه، ۲۰۱۰، ص ۱۰۷) برای ممانعت از تحمیل احکامی ناسنجیده بر داده‌ها (کیم، ۲۰۰۷، ص ۱۸۱) از خصوصیات آن است. مطالعه علمی^۶ دین، مطالعه چند وجهی یا پلورالیستیک^۷ و بدون لحاظ مرزهای محدودشده^۸ (اسمارت، ۱۹۷۳، ص ۸-۹) از دیگر ویژگی‌های دین‌پژوهی است، در حالی که در آن پلورالیسم روش شناختی^۹ برای مطالعه کافی از دین یک ضرورت است (پنر و یونان، ۱۹۷۲، ص III).

اصولاً بررسی دلایل، انگیزه‌ها و همچنین مباحث روش‌شناسی در زمینه مطالعه ادیان یکی از بحث برانگیزترین و پیچیده‌ترین مجموعه‌های فکری را در میان مباحث معاصر آکادمیک فراهم آورد (انماه، ۲۰۱۰، ص ۱۰۴) که در نقاط مختلف دنیا اولویت‌های متفاوتی نیز دارا می‌باشد. به‌عنوان نمونه یکی چالش برانگیزترین مباحث در این زمینه، تعیین یک نام قابل قبول برای این مطالعات و همچنین موضوع الهیات و دین‌پژوهی و رابطه آنهاست. برخی افراد و مراکز عنوان‌های پیشین را به اندازه کافی رسا نمی‌دانند و اقدام به پیشنهاد عنوان جدید می‌نمایند. در یک مورد عنوان مطالعه ادیان Study of Religions برای رشته‌ای که با عنوان Religious Studies شناخته می‌شد در دانشگاه بث اسپا^{۱۰} در انگلستان پیشنهاد گردید. آنها معتقدند با این روش به مخاطبان تأکید می‌شود که ما در حال مطالعه بی‌طرف ادیان چندگانه هستیم تا فعالیتی که می‌تواند رنگ و بوی مذهبی داشته باشد (کوش و رابینسون، ۲۰۱۶، ص ۲۸). این بحث‌ها که هم‌اکنون از موضوعات رایج در دانشگاه‌های بریتانیاست، به نظر می‌رسد ناشی از جریانی است که به دنبال مخالفت با وحدت رویه میان الهیات^{۱۱} و دین‌پژوهی به معنای Religious Studies است (همان، ص ۲۸). آنها رویکرد اخیر را مناسب نمی‌دانند (کوش، ۲۰۰۹، ص ۱۲)، و معتقدند که

1. objective
2. Impartiality
3. methodological bracketing
4. reductionism
5. dogmatism
6. scientific
7. pluralistic
8. without clear boundaries
9. methodological pluralism
10. Bath Spa University
11. theology

اگر تفاوت میان الهیات و دین‌پژوهی را نمی‌دانید نتیجه بگیرید که شما یک متکلم هستید (کوری رایت و مورگان، ۲۰۰۶، ص ۵۰).

در موضوع الهیات و دین‌پژوهی نیز، تفاوت رویکرد بارزی در کشورهای مختلف مبتنی بر نگرش‌های فلسفی و مسائل بومی وجود دارد. جان راسل هینلز^۱ در مقدمه کتابی^۲ که با موضوع مطالعات ادیان گردآوری و ویرایش نموده است می‌نویسد: در آمریکا علانمی از اختلافات فزاینده^۳ و تفاوت میان این دو دیده می‌شود و این در حالی است که به نظر می‌رسد در کشور انگلستان عملاً این دو به هم نزدیک می‌شوند^۴ (هینلز، ۲۰۰۵، ص ۱).

در اینجا نوع حمایت مالی از مطالعات اخیر می‌تواند تعیین‌کننده باشد. در بریتانیا، الهیات در دانشگاه به‌طور عمده از سوی دولت تأمین مالی می‌شود و دارای نوعی انحصار در تبلیغ مسیحیت است. این گروه‌های مطالعاتی در دانشگاه‌های انگلیس با اسامی مختلفی از جمله الهیات،^۵ دین‌پژوهی،^۶ الهیات و دین‌پژوهی^۷ و مطالعات الوهی، یا الوهیت^۸ نام‌گذاری شده‌اند. گرچه در حال حاضر در بیشتر نقاط از دو نام الهیات و دین‌پژوهی استفاده می‌شود (فورد، ۱۹۹۹ ص ۶۱) و (انماه، ۲۰۱۰، ص ۱۰۸).

به این ترتیب موضوع انگیزه در مطالعات علمی یا آکادمیک دین^۹ امری ارزش‌بنیاد و مبتنی بر ساختارهای محیطی، فرهنگ‌بند و تاریخ‌بند است.

دانشگاه ادیان و مذاهب

"دانشگاه ادیان و مذاهب" یک مؤسسه آموزش عالی غیردولتی در شهر قم است که به دنبال ایجاد یک مجموعه علمی حوزوی و دانشگاهی به منظور شناخت ادیان و تعامل و گفتگو با پیروان آنها، در جهت همبستگی انسانی، تقویت صلح و گسترش معنویت و اخلاق است (<http://urd.ac.ir/fa/cont/90>). مبتنی بر مواد اساسنامه دانشگاه، برنامه‌ریزی جهت شناسایی نیازهای آموزشی کشور در زمینه ادیان و تقویت تولید علم بومی ایرانی-اسلامی و نگاه انتقادی به نظریه‌ها و متون ترجمه‌ای در زمینه مطالعات ادیان و مذاهب از اهداف آن است.

1. John R. Hinnells
2. The Routledge Companion to the Study of Religion (2005)
3. growing difference
4. coming closer together
5. theology
6. religious studies
7. theology and religious studies
8. divinity
9. Motives Precipitating the Study of Religion

در این دانشگاه مطالعات ادیان در دو گروه اصلی درون و برون دینی صورت می‌گیرد. مطالعات بخش ادیان، شامل رشته‌های دین‌شناسی، ادیان ابراهیمی، ادیان غیرابراهیمی، ادیان ایرانی، ادیان و عرفان و دین‌پژوهی می‌باشد.

حوزه مطالعات مدرن و برون دینی، معطوف به شناخت یک دین به‌عنوان یک ابژه مورد مطالعه و نوع مواجهه غیر مؤمنانه و بی‌طرف است. آشنایی با رویکردهای شناختی، نظیر رویکرد فمینیستی، هرمنوتیکی و پدیدارشناسانه به دین، و همچنین موضوع الهیات مدرن در این حوزه گنجانده شده است. بخش مطالعات تجربی و علمی دین شامل دین‌پژوهی تطبیقی، جامعه‌شناسی دین، روان‌شناسی دین، انسان‌شناسی دین و فلسفه دین است. منابع درسی پیشنهادی در این بخش به‌طور کامل مربوط به دانشگاه‌های آمریکایی و اروپایی هستند.

دانشگاه ادیان در فعالیت‌های خود دارای راهبردی دوگانه است. از سویی خود را برخاسته از حوزه علمیه و تداوم نهادهای آموزشی سنتی و دینی می‌داند و از سوی دیگر دارای ساختاری دانشگاهی و گروه‌های مدرن آموزشی است. این شرایط ممکن است منشأ کنش‌ها و چالش‌هایی متناقض‌نما شود. به همین دلایل گروهی در دانشگاه معتقدند دین‌پژوهی یا پژوهش غیر مؤمنانه در حوزه دین در دانشگاه ادیان امکان ظهور کامل نداشته است و به این ترتیب از گسترش تنوری‌های رایج و عمدتاً غربی در این زمینه و آموزش آن دفاع می‌کنند. از سوی دیگر منتقدان متمایل به سنت، دین‌پژوهی، به معنای اخیر را با شدت و ضعف‌های مختلف برنمی‌تابند و گاهی حضور اساتید و دانشجویان در این رشته را با نوعی خروج از سنت و دین مفروض می‌گیرند. برخی نیز اگر با کلیت این مضمون همراهی نمی‌کنند؛ اما دین‌پژوهی را رشته‌ای خطرناک و عافیت‌سوز تلقی می‌کنند و گسترش آن را در مرکزیت یک مکتب فکری دینی به نام اسلام‌شیعی با دیده نگران دنبال می‌کنند. از نظر مدافعان سنت، دانش‌آموختگان دین‌پژوهی، در نهایت گرایش‌های سنت‌ستیزی و یا سنت‌گریزی خواهند داشت.

نکته مهم در اینجا این است که گروه‌های اخیر دارای خط فکری نهادی و پشتوانه‌های نظری در خارج از دانشگاه و پیوست‌ها و دنباله‌های اجتماعی و بسترهای خیابانی نیز هستند که گرش‌های غیریکسان آنها، به کنش و واکنش‌های سخت، نیز منجر می‌گردد. از این چشم‌انداز می‌توان نتیجه گرفت که در صورت ایجاد "شرایط گفتگومحور" در دانشگاه میان طیف‌های اخیر، امکان انتقال مفاهیم به حوزه‌های بیرون از آن نیز فراهم است. دیالوگ اخیر، هم می‌تواند دغدغه گروهی که هر گونه مطالعه مدرن دین را نوعی جدال و درگیری با سنت‌ها می‌دانند، برطرف و یا تلطیف نماید، و هم دیدگاه افرادی که نگرش مدرن را در مطالعه آکادمیک دین و نتایج حاصل از آن را، گریزناپذیر می‌دانند، پاسخ گوید.

ما در این مقاله تلاش می‌کنیم، پس از بررسی شاخص‌هایی از این مطالعات که ممکن است در جامعه دانشگاهی ما با چالش مواجه گردد، مهم‌ترین موضوعاتی را که لازم است به‌عنوان مسائل بومی مورد توجه دین‌پژوهان قرار گیرد را در بحث‌های پیش‌رو مطرح کنیم.

تلقی واقعی از دین‌پژوهی و نیازمندی به فلسفه

اقدام نخست در دین‌پژوهی آن است که تلقی ما از این دانش به درستی مشخص شود. به عبارتی چالش ما این است که تلقی و تعریف ما از دین‌پژوهی باید مبنای واقعی داشته باشد. ما باید بدانیم، وقتی در حال دین‌پژوهی هستیم، به چه فعالیتی مشغولیم؟ دین‌پژوهی، بخشی از یک پروسه بنیادین در گستره‌ای از نظام‌های فکری، فلسفی و اجتماعی مدرن است و این دانش را نمی‌توان معجزاً از ساختارهای اخیر در جهان مدرن صورت‌بندی کرد.

دانش علمی پارادایم غالب جهان معاصر است که مبتنی بر عقل مدرن شکل می‌گیرد. ما نمی‌توانیم خواهان علم و یا دانش علمی باشیم؛ اما تبعات مختلف، مقدمات و مؤخرات آن را نپذیریم. دانش علمی در جامعه‌ای با ساختارهای منبعث از پارادایم علم پدید می‌آید و به نظر می‌رسد شکل‌گیری شبه انتقالی دانش‌های علمی به‌ویژه در حوزه‌های علوم انسانی و منبعث از کانتکت‌های اجتماعی مدرن در کشورهایی که هنوز پارادایم علم در آنها به مرز فراگیری نرسیده است با چالش روبه‌رو شود (ایمان، ۱۳۹۳، ص ۱۳۹). این در حالی است که علم و دانش مدرن در بیشتر کشورهای در حال توسعه با انتقال دانش از بیرون شکل گرفته و هنوز نیز دوام آن به این انتقال وابسته است (رحیمی سجاسی، ۱۳۹۱، ص ۱۲).

نگاهی به تاریخچه شکل‌گیری دین‌پژوهی نشان می‌دهد که این دانش در تاریخ نه‌چندان طولانی خود محصول دو شیفت پارادایمی^۱ مربوط به تغییرات مدل تفکر انسانی از دانش فلسفی، مذهبی و عرفانی به دانش علمی^۲ و حضور جامعه به‌عنوان امر واقعی و تعیین‌کننده سطح واقعیت است. در واقع علم جز چگونگی فعالیت در نظام اجتماعی و افراد چیزی دیگری نیست (ایمان، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰).

به همین دلیل، ما برای ورود به حوزه‌های اخیر و انضمام به دانش جهانی باید سرشت عقل مدرن و سرشت دنیای مدرن را درک کنیم. این‌گونه خواهد بود که ما می‌توانیم به نسبت ظرفیت و تمایلی که داریم، دین، مواجهه با دین و دین‌پژوهی و جایگاه آنها را در این اقلیم فکری و فرهنگی ادراک نماییم. ذکر این نکته در اینجا ضروری و البته هوشمندانه است که یادآوری کنیم که محل و جایگاه این‌گونه بحث‌ها، متافیزیک و فلسفه است که می‌تواند به ما در فهم جهان کنونی یاری

1. paradigm shift

2. Scientific knowledge

رساند. به بیانی درک سرشت دنیای مدرن، درک فلسفه آن است (عبدالکریمی، ۱۳۹۶، ص ۳۴۵) و درک و تلقی واقعی از دین پژوهی با درک فلسفه آن فراهم می‌شود.

از سوی دیگر مدعای بسیاری در خصوص رابطه فلسفه و دانش‌های مرتبط با علوم اجتماعی و از جمله دین پژوهی اجتماعی وجود دارد. ما در هرگونه فهم در علوم اجتماعی، نیز با محوریت فلسفه مواجهیم؛ زیرا اصولاً نقد اجتماعی از فلسفه آب می‌خورد. هر جامعه‌ای یک نقد اجتماعی دارد و یک تئوری هنجاری که نقد اجتماعی برعهده فلسفه است و تئوری هنجاری که پاسخ آن نقد اجتماعی است از علوم اجتماعی شکل می‌گیرد. پس علوم اجتماعی و فلسفه دو قطعه مکمل در هر جامعه‌ای هستند. نقد اجتماعی نیازمند عیاری است که از فلسفه و دانش فلسفی متولد می‌شود (فیاض، ۱۳۹۰، ص ۸۹). جامعه‌شناسی، منفک از فلسفه، محکوم به سطحی‌نگری است. بدون فلسفه، ما جز به توصیف ظاهر پدیده‌های اجتماعی و سطحی‌نگری درباره آنها فراتر نرفته‌ایم (بخارایی، ۱۳۹۴، ص ۲). مدرنیته و راسیونالیسم، سکولاریزاسیون، دین و جامعه، مسیحیت‌گرایی و مارکسیسم، بنیادگرایی اسلامی، ارزش‌ها و معنای زندگی در جامعه امروز، از جمله پرسش‌ها و موضوعات فلسفه معاصر است (ایچادی، ۱۳۹۷، ص ۴) که در نظام علمی مدرن، فلسفه از طریق دین پژوهی و شاخه‌های آن به این موضوعات ورود پیدا می‌کند.

مطالعه دین در یک ساختار دانشگاهی و نظام دیسپلینینی

مطالعه دین در یک ساختار دانشگاهی و رویکرد دیسپلینینی تولید علم که در دانشگاه ادیان در جریان است، تنها با یک نظام آموزشی مدرن قابل تحلیل می‌باشد. به بیان دیگر وقتی در دانشگاه، به امر دین پژوهی می‌پردازیم به نوعی فرهنگ پژوهشی تن داده‌ایم که ممکن است نتایج حاصل از آن با نگرش‌های غیردانشگاهی و از جمله سنتی به این مطالعات همخوانی نداشته باشد.

دانشگاه، نهادی اجتماعی، دارای قواعد مشخص و یک "فرهنگ" است که به نظامی از باورها و انتظارات درباره اینکه چگونه می‌توان دانشگاهی عمل کرد گفته می‌شود (کورتازی و جین، ۱۹۹۷، ص ۷۶-۷۷). بحث از دانشگاه، بحث پیرامون سبکی از زندگی و الگوهای خاصی از حل مسئله، قضاوت کردن، تعامل با دیگران و شیوه مدیریت است (فراستخواه، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳).

دانشگاه‌ها در ساختار مدرن برآمده از آن، دارای کارکرد ذاتی، مرجعیت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و نهادی بدون جانشین هستند. دانشگاه، نهادی مستقل است. یک مفهوم اعتباری و بخشنامه‌ای نیست. دانشگاه دارای یک ذات اصیل است که مبتنی بر آن، ظهور و بروز می‌یابد. نظام دانایی در دانشگاه واجد درون‌مایه‌ای از نظم انحصاری آکادمیک است (پورحسن، ۱۳۹۶، ص ۱) و نتیجه آنکه دانشگاه مسائل را به روش و دیدگاه خود مطالعه و تحقیق می‌کند.

از سوی دیگر دانشگاه‌ها در ایران، از شرایطی از جمله تابع بودن دانشگاه نسبت به امر سیاسی برخوردار بوده‌اند و این امر می‌تواند به‌عنوان چالشی فراروی دانشگاه ادیان خود را نشان دهد، به طوری که عملکرد دانشگاه را به محاق ببرد. «مبدأ دانشگاه در ایران، همواره مبتنی بر امر سیاسی و قدرت بوده و ذات دانشگاه از اهمیت بنیادین برخوردار نبوده است. این شرایط دانشگاه را دچار انقیادی نموده که در آن "دانشگاه به مثابه دانشگاه" فاقد هرگونه کارکرد مستقل است. کارکرد غیرمستقل دانشگاه به طور معمول نمی‌تواند به شکل‌گیری یک سپهر دانایی و بینش مستقل آکادمیک منجر شود (پورحسین، ۱۳۹۶، ص ۳).

چالش دیگر که معمولاً دانشگاه با آن مواجه باشد نگاه خردگرایانه به آن است. این چالش می‌تواند ناشی از نگاه پسینی به موضوع دانشگاه باشد. این در حالی است که ساختار دانشگاه با نگاه پیشینی و فرانگرنه آغاز می‌شود. نگاه پسینی، حوادث، لواحق و عوارض را رصد می‌نماید و کارکردهای صرف اجتماعی و سیاسی دانشگاه را گزارش می‌نماید (همان، ص ۳) در حالی که اگر زنجیره تولید آگاهی از داده^۱ تا معنی مفروض گرفته شود آنچه از دانایی در دانشگاه پدید می‌آید شامل تمام حلقه‌های اخیر با مفاهیم پیشینی و پسینی است (قانع‌راد، ۱۳۷۹ ص ۴۴) مفاهیم پیشینی، فلسفی و پسینی جامعه‌شناسانه هستند. فلسفه هر دانشی در دانشگاه تولید و به آن قابل تزریق نیست. نگاه پیشینی به دانشگاه جایگاه راهبری و تصمیم‌سازی اعطا می‌کند و برای آن حق تولید فلسفه و خردورزی بنیادی قائل است. اکنون پرسش این است که آیا ساختارهای سیاسی و اجتماعی در کشور اصولاً امر دانشگاهی و دانشگاه ادیان را در چنین جایگاهی تصور می‌نمایند؟ از سوی دیگر و به لحاظ ساختار درونی، دانشگاهی که واجد انسجام و نظام آکادمیک نباشد نمی‌تواند به اثبات نقش‌های ذاتی خود بپردازد. نظم حقیقی آکادمیک به بروز "بینش آکادمیک" منجر شود. دیسپلین‌ها و دیسکورس‌ها در دانشگاه، محصول نظام آکادمیک و راهکار دانشگاه برای حل مسائل هستند. اینکه دیسپلین و رشته تحصیلی در دانشگاه چه جایگاهی دارد، را گاهی به قبیله و ساختارهای آن تشبیه کرده‌اند. «رشته‌های تحصیلی^۲ را می‌توان مانند یک قبیله با قلمروهای سرزمینی‌اش در نظر گرفت. قبیله خود را با قدرت از بیگانگان محافظت می‌کند و تمامی سرمایه‌های مادی و نفوذ معنوی خود را بر مرز و بوم داخلی متمرکز می‌کند. هر قبیله دارای یک نام و یک قلمرو است. دارای روابط داخلی است. قبیله به جنگ دیگران می‌رود. دارای یک زبان متمایز یا حداقل یک گویش متمایز و راه‌های مختلف دیگری برای نشان دادن تمایز از دیگران است» (بچر، ۱۹۸۹، ص ۱۰).

1. data

2. Academic disciplines

پراکندگی مطالعاتی پس از شکل‌گیری دیسیپلین جای خود را به اثرگذاری می‌دهد. به‌طور کلی یک دیسیپلین دانشگاهی و رشته علمی وقتی پدید می‌آید و مورد وفاق جامعه علمی قرار می‌گیرد که ابتدا مجموعه‌ای از اطلاعات، یعنی مفاهیم و گزاره‌ها در جایی گرد هم بیایند. یک "محور وحدت بخش" اجزاء پراکنده را به هم مرتبط سازد. دو مشخصه اصلی شکل‌گیری دیسیپلین‌ها عبارتند از شکل‌گیری تدریجی و ایجاد ساختارهای کلی در ابتدا و سپس پدید آمدن ساختارهای جزئی در ذیل آن است (علیزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۵). همچنین هر رشته دانشگاهی باید مضاف بر آنکه دارای یک موضوع خاص، مستقل و تقلیل‌ناپذیر باشد، بلکه باید به صورتی منطقی با سایر رشته‌ها و دیسیپلین‌های دیگر سازگاری داشته و مرتبط باشد (شوویکر، ۲۰۰۶، ص ۱۴۰).

عدم تشکیل دیسیپلین و رشته دانشگاهی به معنای عدم استقلال است. «ادعای تمایز و استقلال مطلق، علامت استراتژی دانشمندان برای ایجاد یک گفتمان و نهادی منحصر به فرد، در مکان‌هایی است که آنها قدرت و کنترل اعمال می‌کنند. این اقتدار علمی خودساخته جایگاهی برای فعالیت‌های درونی و ارتباطات بیرونی ایجاد می‌کند. معمولاً آنها تلاش می‌کنند سایر صداها را به سود منافع حاصل از اندیشه اولیه شکل‌گیری منطبقه جدید محدود سازند» (مک‌کاجن، ۱۹۹۷، ص ۶۵).

منظور از طرح بحث اخیر آن است که لازم است دین‌پژوهی در دانشگاه ادیان به‌عنوان یک دیسیپلین نظام‌مند که دین‌پژوهان در آن دارای قلمرو پژوهشی خواهند بود صورت گیرد تا مطالعات پراکنده، دسته‌بندی و امکان اثرگذاری فراهم گردد. این اتفاقی است که در دهه هفتاد قرن گذشته در اروپا و غرب نیز صورت گرفت.

مسئله ایرانی در مطالعه آکادمیک دین

مطالعه و پژوهش دین در دانشگاه، مانند هر دانش علمی دیگری لازم است علاوه بر برخورداری از ساختار آکادمیک، از نگاه بومی برای مواجهه با مسائل اجتماعی نیز برخوردار باشد. امروز در جامعه ایران دوگانه ساختارهای سنتی، دینی و نظام‌های مدرن، نیازمند مطالعه است. «ما در شرایط تاریخی یکصد سال اخیر هم نگاهی به مدرنیته داشته‌ایم و نظم اداری و آموزشی و سازمان‌ها و شیوه زندگی را از غرب وام گرفته‌ایم و هم تعلقات دینی و سنتی و انتظار و امید گشایش عهد دینی را نگاه داشته‌ایم. زندگی کردن میان دو جهان برای ما که در دوران پیش از تجدد با خرد دیگری آشنا بوده‌ایم مشکل بزرگ و معمای تاریخ معاصر است» (داوری اردکانی، ۱۳۹۷، ص ۱۳). در این شرایط به نظر می‌رسد دانشگاه ادیان با تشکیلات منحصر و ساختارهای کم‌نظیر آکادمیک خود می‌تواند منشأ پژوهش‌های ارزشمند، روزآمد و جهت‌بخشی در زمینه کارکرد امر سنت و دین از

سویی و رابطه آن با ساختارهای مدرن از سوی دیگر در جامعه‌ای باشد که دچار و یا مواجه با دل‌بستگی‌های دوگانه اخیر است.

در این شرایط، اگر به جامعه پیرامونی خود بنگریم، می‌توانیم به صراحت درک کنیم که ما از گذشته خود جدا شده‌ایم، در حالی که جامعه جدید در کشور ما قوام نیافته است و این مایه پریشانی شده است. شاید کشور ما هرگز و در هیچ زمانی تا این اندازه از بیرون تحت فشار و از درون دچار تفرقه و اختلاف‌های مخرب و بنیان‌سوز نبوده است (همان، ص ۱۹) به این ترتیب و از آنجا که دین و یا با انگیزه‌های دینی در چنین جامعه‌ای نقش‌های بسیاری برعهده گرفته شده است، و دین دچار موضوع‌شده‌گی‌های گوناگون است، از دین‌پژوهان انتظار ورود مستقل و نظام‌مند به مسائل جامعه امری بدیهی است. مسئله‌یابی در این مسیر قدم مهم و اقدام اول است.

در اهمیت تشخیص و تولید مسئله همین بس که تاریخ غرب جدید و در آن میان تاریخ مطالعه آکادمیک دین، به یک اعتبار تاریخ طرح و حلّ مسائل غرب است. در حالی که به نظر می‌رسد در کشور ما سازمان‌های مختلف و از جمله دانشگاه‌ها از تحولی که در زندگی و جامعه روی داده بی‌خبرند و مدام مشکل‌ها پیش می‌آید و به مسئله مبدل نمی‌شود (همان، ص ۱۹).

امروز دانشگاه ادیان با راهی جز طرح مسئله ایرانی در پژوهش‌های خود مواجه نیست. جامعه ما اکنون به سوالات سخت و مسائل پیچیده‌ای دچار است که بخش مهمی از آن نیازمند مطالعات جدی دین‌پژوهانه است. امروز در کشوری که قیل و قال سیاسی بسیار دارد، دانشگاه باید با بازیابی اصول مقبول مشترک همه را به گفتگو بخواند و هم طراح مسئله و هم حل‌کننده آن باشد. ما اکنون با مشکلات و موانع کلی درگیریم و در برزخ میان سنت و مدرنیته جهان‌زیست روشنی نمی‌شناسیم. به نظر می‌رسد حیات ما به شناخت درست مشکل و طرح دقیق مسئله ایرانی در شرایط اخیر است. با دانشگاهی که نظم و برنامه و قواعد و مسئله‌اش اروپایی است نمی‌توان به جایی رسید. امروز مسئله اصلی جامعه ایرانی تعیین سرمشق‌های ایرانی برای زندگی در جهانی است که در ملاقات سنت، دین و مدرنیته شکل می‌گیرد. آیا ما در این جهان -مانند آنچه در غرب گذشت- به امر اصلاح دینی تن خواهیم داد. آیا با الهیات نوین و الهیات روزآمد دینی کنار خواهیم آمد یا راه دیگری برخواهیم گزید. ما هنوز در دوراهی‌های بزرگ تصمیم‌های اساسی نگرفته‌ایم. فقه و الهیات ما، اکنون در میان مسائلی محدود مستغرق است که دیگر دغدغه انسان امروز نیست. این در حالی است که در هوای جهل و غرور و تعصب هیچ جهانی ساخته نمی‌شود. ما به خوبی مسائل خود را نمی‌شناسیم. مسئله داشتن را نباید با مشغولیت‌های علمی و غیرعلمی و مخصوصاً با حدیث آرزومندی اشتباه کرد (همان، ص ۱۶). امروز شناخت مسئله، حل آن و تولید مسئله‌های جدید اصلی‌ترین دغدغه دین‌پژوهی در ایران است.

نتیجه‌گیری

تجربه تاریخی مطالعه آکادمیک دین به لحاظ مفهومی و نظری تجربه تحولات اجتماعی است. موضوع مطالعه آکادمیک دین در دانشگاه ادیان به لحاظ ساختار دانشگاهی و ویژگی‌های محیطی و بافتی که این دانشگاه در آن قرار دارد، "به‌عنوان یک مسئله" جهت دستیابی به یک چهارچوب معرفت بخش، در راستای کارکرد مستقل دانشگاه که از شکل‌گیری یک سپهر دانایی و بینش مستقل و بومی آکادمیک ناشی می‌شود، قابل مطالعه است. این مطالعات می‌تواند با اخذ تاریخچه‌ای از مطالعه دین در غرب و سیر تحولات آن که منابع کافی در این خصوص وجود دارد و ترجمه آنها، آغاز شود. فهم صحیح و تلقی واقعی از این مطالعات و درک شرایطی که جوامع گوناگون را به اهمیت پرداختن به آن مجاب ساخته است می‌تواند در کنار اهتمام به ضرورت‌ها و ساختارهای بومی مؤثر در این حوزه از اندیشه‌ورزی و دانش، در قالب متن و روش آن از دیگر بخش‌های قابل طرح در مطالعات اخیر است.

از سوی دیگر طرح موضوع و پرداختن به روش مسئله‌یابی برای حوزه‌های دیسپلینی مطالعات آکادمیک دین و ارائه یک چشم‌انداز در این زمینه نیز از اهمیت تعیین‌کننده برخوردار است. دین‌پژوهان در دانشگاه ادیان و دیگر نقاط کشور باید همواره با مقوله پرداختن به اولویت داخلی در این زمینه و امر مسئله‌شناسی ملی مطالعات دانشگاهی دین مواجه باشند. این اتفاق است که تاکنون روی نداده است. به نظر می‌رسد نظر به عمق تحولات اجتماعی در جامعه ایرانی مسائلی مانند نسبت میان دین، سنت و فرهنگ از سویی و مدرنیته با همه ساختارهای آن از سوی دیگر از مسائل مهمی است که باید در ساختارهای مختلف مطالعات و پژوهش‌های آکادمیک دین به خصوص در دین‌پژوهی اجتماعی به‌عنوان اولویت پژوهشی نظام‌مند مورد توجه کامل قرار گیرد. موضوع الهیات نوین و روزآمد و رابطه و نسبت الهیات و دین‌پژوهی از دیگر این اولویت‌هاست.

منابع

۱. افخمی، حسینعلی (۱۳۹۲)، «رویکردهای مدیریتی و آسیب‌شناسی تحقیقات روابط عمومی»، کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۶۱، ص ۵۵-۶۹.
۲. الیاده، میرچا (۱۳۸۹)، دین پژوهی، مترجم: بهاء‌الدین خرمشاهی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. ایمان، محمدتقی (۱۳۹۳)، فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ دوم، قم: نشر جعفری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. ایجادی، جلال (۱۳۹۷)، «فلسفه و جامعه‌شناسی و چالش‌های مشترک»، فرانسه.
۵. بخارایی، احمد (۱۳۹۴)، «نسبت فلسفه و جامعه‌شناسی با تأکید بر جامعه‌شناسان کلاسیک»، وروکابال، آلفونسو (۱۳۸۹)، دانشگاه نهادی امروزین، علی شریفی، چاپ اول، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۶. بن نبی، مالک (۲۰۰۹)، مشکله الافکار فی العالم الاسلامی، دمشق، دارالفکر.
۷. پورحسن، قاسم (۱۳۹۶)، «دانشگاه مرکز ایدئولوژی یا دانش».
۸. داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۷)، «ایران و مسائل و مشکلاتش»، نشریه فرهنگستان علوم، خیرنامه، س ۱۸، ش ۶۸.
۹. دی یر، پیتر (۱۳۸۸)، تاریخ علم، انقلاب در علوم و دانش اروپایی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: سخن.
۱۰. ربانی خوراسگانی، علی؛ وحید قاسمی؛ رسول ربانی خوراسگانی؛ مهدی ادیبی سده و نادر افقی (۱۳۹۰)، «تحلیل جامعه‌شناختی شیوه‌های تولید علم؛ تأملی در رویکردهای نوین»، تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۴، ش ۴، پیاپی ۱۶، ص ۱۱۷-۱۵۸.
۱۱. رحیمی سجاسی، داوود (۱۳۹۱)، شیوه‌های تولید دانش (درآمدی بر تولید دانش بومی)، قم: بوستان کتاب.
۱۲. ژاکلیک، اس و جی. استارلینک (۱۳۸۵)، «کتاب‌شناسی دین‌پژوهی»، هفت آسمان، باقر طالبی دارابی، ش ۳۱.
۱۳. سیاهپوش، سیدابوتراب (۱۳۹۲)، «بررسی سیر تحول اجتماعی نهادهای فرهنگی و دانشگاهی در اروپا (از سده یازدهم تا پانزده میلادی)»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره دوم، ص ۲۱-۴۳.

۱۴. شجاعی زند، علی رضا (۱۳۸۸)، جامعه شناسی دین، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
۱۵. شیرودی، مرتضی (۱۳۹۴)، «مطالعات ایرانی بومی سازی و نظریه بوم گرایی معطوف به سنت شیعی»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴، ص ۹۹-۱۲۲.
۱۶. عبدالکریمی، بیژن (۱۳۹۶)، پایان تئولوژی، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر نقد فرهنگ.
۱۷. عسگری، یاسر و رسول نوروزی فیروز (۱۳۹۳)، روش شناسی مطالعات اسلامی در غرب: گفتارهایی از عبدالعزیز ساشا دینا، ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم: بوستان کتاب.
۱۸. علیزاده، بیوک (۱۳۸۱)، «گستره های دین پژوهی و مسئله بومی شدن»، اندیشه حوزه، شماره اول و دوم.
۱۹. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹)، دانشگاه و آموزش عالی، منظرهای جهانی و مسئله های ایرانی، تهران: نشر نی.
۲۰. فیاض، ابراهیم (۱۳۹۰)، تولید علم و علوم انسانی، چاپ دوم، مشهد: نشر سپیده باوران.
۲۱. فیرحی، داود (۱۳۸۱)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی.
۲۲. قانع‌راد، محمدامین (۱۳۷۹)، جامعه شناسی رشد و افول علم در ایران، تهران: نشر مدینه.
۲۳. کاپلستون، فردریک (۱۳۸۸)، تاریخ فلسفه قرون وسطی، ابراهیم دادجو، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۲۴. نصر، حسین (۱۳۹۳)، نیاز به علم مقدس، چاپ سوم، قم: نشر طه.
۲۵. موسوی، آرش (۱۳۹۴)، «نظام نوآوری در علوم انسانی»، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، س ۲۱، ش ۸۲، ص ۱۴۳-۱۶۹.
۲۶. میری، سیدجواد (۱۳۹۴)، «پروبلماتیزه کردن جامعه شناسی در ایران-مسائل و راه های پیش رو»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۷. هرلینگ، برادلی (۱۳۹۶)، راهنمای دین پژوهی، مهدی حسن زاده و رسول اکبری، قم: نشر ادیان.
28. Alles, G. D. (ed.) (2008), *Religious Studies: A Global \lietV*, London, Routledge, An attempt to map the study of religions worldwide.
29. Becher, Tony (1989), "Academic Tribes and Territories: Intellectual Enquiry and the Culture of Disciplines". *Milton Keynes: The Society for Research into Higher Education and the Open University*.
30. BradleyL.Herling (2008), "A Beginner's Guide to the Study of Religion", Published by Bloomsbury Academic.

31. Corrywright D., & Morgan, P. (2006), *Get Set for Religious Studies*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
32. Cush, D. & Robinson, C. (2016), "Brian Bocking and the defence of study of religions as an academic discipline in universities and schools". *Journal of the Irish Society for the Academic Study of Religions*, 3 (1), 27-41.
33. Cortazzi, Martin & Lixian Jin (1997), "Communication for learning across cultures", PP. 76-107, In McNamara, D. & R. Harris (eds) *Overseas Students in Higher Education*, Issues in Teaching and Learning London and New York: Routledg.
34. Cush, D. (2009), "Religious Studies versus Theology: why I'm still glad that I converted from Theology to Religious Studies", In: Bird, D. & Smith, S. (eds.). *Theology and Religious Studies in Higher Education: Global Perspectives*, London and New York: Continuum. pp. 15-30.
35. Ford, David (1999), "Theology: A Very Short Introduction", Oxford: Oxford University Press. Theology. – John Hinnells (ed.), *The Routledge Companion to the Study of Religion*, 61–79. London and New York: Routledge.
36. Hinnells, John (ed.) (2005) *The Routledge Companion to the Study of Religion*. London and New York: Routledge.
37. Knott, Kim (2007), *Religious Studies and its relationship to theology: A spatial analysis*, *Temenos*, 43 (2). pp. 173-198. ISSN 0497-1817.
38. Martin, Luther H. & Donald Wiebe (2012), *Religious studies as a scientific discipline*.
39. McCutcheon, R. T. (1997), *Manufacturing Religion*, New York, Oxford University Press.
40. Meri, W. Josef (2003), *Culture and Memory in Medieval Islam*, London: I.B Tauris.
41. Nmah Patrick Enoch (2010), "Studying Religion Scientifically: Motive and Method", *An International Multi-Disciplinary Journal*, Ethiopi Vol. 4 (3b) July, 2010.
42. Penner, H.H., and Yonan, E.A. (1972), "Is a Science of Religion Possible?", *The Journal of Religion*, 107-133.

43. Pye, Mishael (2000), "the Future of the Study of Religion", (Boston, Mass.) *The future of the study of religion : proceedings of Congress*, edited by Slavica Jakelic and Lori Pearson.
44. Schweiker, William (2006), "On the Future of Religious Ethics: Keeping Religious Ethics Religious and Ethical" – *Journal of the American Academy of Religion*, 74:1, 51–135.
45. Smart, N. (1973), *The Science of Religion & the Sociology of Knowledge*, Princeton : Princeton University Press.
46. Smith, Wilfred Cantwell (1964), "The Meaning and End of Religion", New York, Macmillan, Pages 757–790.
47. Smith, Wilfred Cantwell (1985), *Belief and History*. Virginia. University Press.
48. Whaling Frank (1995), Introduction in: "Theory and Method in Religious Studies. Contemporary Approaches to the study of Religions", Mouton de Gruyter: Berlin-New York 1995, s. 1–41.

